

غلامرضا انصاری، معاون اقتصادی وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

دیپلماسی در خدمت توسعه صادرات

سیاست خارجی زمینه‌ساز تجارت خارجی شده است

مریم سالاری
خبرنگار دیپلماتی

پیش‌بینی‌های مختلفی درباره وضعیت اقتصادی کشور در شرایطی که درآمد نفتی زیر سایه تحریم‌های سنگین امریکای کمترین میزان خود رسیده است، مطرح می‌شود. گمانه‌هایی که اغلب فضای مطلوبی را تصویر نمی‌کنند و موجب این نگرانی هستند که آلت‌رناتیوهای موجود، متناسب با تحولات پرفراز و فرود سیاست خارجی نیست؛ اما غلامرضا انصاری، معاون اقتصادی وزارت خارجه نگاه دیگری دارد و معتقد است راهبرد اقتصادی توسعه صادرات و اتکاب به سیاست صادرات غیرنفتی و افزایش سهم آن در تجارت جهانی برای رهایی از وابستگی اقتصاد کشور به نفت تنها راه قابل اعتنا برای عبور از وضعیت موجود است. راهبردی که گرچه بواسطه فشار حداکثری امریکا در دستور کار دولت قرار گرفته است اما به‌یاور او پیگیری این سیاست همواره یکی از اهداف مهم اقتصادی برای تصمیم‌گیران نظام در چندین دهه گذشته به‌شمار می‌رفته است که حالا اجرای آن ضرورت یافته است. ذیل همین نگاه است که نگاه به شرق و توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای این حوزه و منطقه خاورمیانه پیش از هر زمان دیگری مورد بحث قرار دارد.

انصاری در گفت‌وگوی پیش‌رو به تحویلی‌ری به فشارهای اقتصادی سنگین حاصل از پیگیری این سیاست در بازه زمانی چندساله بر سبب معیشتی مردم اشاره می‌کند و در عین حال می‌گوید که نتایج چنین رویکردی در بلند مدت به‌گشوده شدن روزنه‌های جدیدی برای تأمین منافع اقتصادی مردم خواهد انجامید. این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.



صنعتی همه مرغ‌های خود را در سبد تجارت با اروپا گذاشته بودیم. خب تحریم‌های امریکا ادامه این روند را مشکل کرد و وقتی بحث تحریم‌ها و خروج امریکا از برجام پیش آمد، این مشکلات کاملاً تشدید شد.

ما بویژه در ۳ الی ۴ سال اخیر بر تغییر ساختار تجارت خارجی متمرکز شدیم و بخش عمده‌ای از تجارت خود را متوجه کشورهای حوزه شرق نمودیم. امروز بیش از ۴۷ درصد تجارت خارجی ما با کشورهای همسایه است. ما در هیچ جای دنیا به بن‌بست نرسیدیم تحریم‌ها هزینه‌های ما را بالا برده است.

■ **روند تجارت با اروپا بویژه تحت تأثیر مشکلاتی که برای اجرای برجام به وجود آمده است، در چه سطحی است؟**

ما با اروپا به رغم همه تحریم‌ها و فشارهای امریکا تجارت رسمی داریم البته رقم این تجارت در مقایسه با گذشته قابل ملاحظه نیست؛ اما ما هنوز محصولات کشاورزی خود را تا رقم ۴۰۰ الی ۵۰۰ میلیون دلار به اروپا صادر می‌کنیم و صادرات صنعتی اروپا هم از طریق کانال‌های غیر مستقیم به ایران می‌رسد. بنابراین بحث بن‌بست مطرح نیست بلکه مسأله اراده ماست که تغییر کرده و تجارتی که پیشتر فقط متکی به واردات از غرب بوده، متنوع شده است. به همین دلیل امروز حوزه شرق برای مایک طرف تجاری بزرگ محسوب می‌شود و بیش از ۸۵ درصد تجارت ما به شرق و همسایگان گریانش یافته است و بیش از ۴۷ درصد تجارت ما با منطقه انجام می‌شود. به رغم تحریم‌ها بیش از ۱۲۰ کشور در سال ۹۸ هدف صادرات ایران و بیش از ۱۱۰ کشور مبدأ واردات ایران بودند. این روند نشان می‌دهد ما منفعل نبودیم و تحت فشارهای جاری اقداماتی جدی انجام دادیم.

■ **می‌فرمایید روند تجارت ما با اروپا همچنان ادامه دارد هر چند که به پایین‌ترین سطح رسیده است اما مشکل اصلی ما این کشورها فقدان یک سازوکار مالی مؤثر برای تبادل کالاهایی فراتر از محصولات کشاورزی و ایجاد یک کانال تسهیل‌کننده برای مبادلات بانکی است، یعنی منافع که مادر چارچوب برجام به‌دنبال آن بودیم، محقق نشده است.**

اولاً که برنامه ما در حوزه تجارت خارجی ایجاد تنوع در بازارهای خودمان است بنابراین ما هیچ کشوری را از هدف بازار خود و تنوع تأمین نیازهای خود حذف نکردیم و نمی‌کنیم و با هر جایی که بتوانیم و طرف مقابل هم تمایل داشته باشد ارتباط برقرار می‌کنیم و بویژه به‌دنبال تأمین نیازهای علمی، تکنولوژیک و صنعتی هستیم که به همین منظور اروپا هم به‌عنوان مبدأ واردات و صادرات یکی از نقاط هدف تجارت ماست؛ اما ما چند مشکل اساسی در صادرات تجارت خارجی خود داریم؛ یک مشکل به تسلط بسیار قوی، غیرمنطقی و غیرانسانی امریکا بر سیستم بانکی جهانی بازمی‌گردد که ما را از استفاده از مسیرهای رسمی بانکی تا حد زیادی محروم کرده است این یکی از مشکلات بسیار جدی است که ما تحت تحریم‌ها با آن روبه‌رو شدیم. به همین دلیل ما به شیوه‌های متنوعی متوسل شدیم تا بتوانیم از طریق دور زدن سیستم بانکی بین‌المللی، تجارت خود را ادامه دهیم. ما برای دور زدن سیستم‌های بانکی با همه کشورها به تفاهماتی می‌رسیم و وارد عمل می‌شویم و تا الان موفق شدیم بخش عمده‌ای از نیازهای خود را بدون عبور از کانال‌های مالی رسمی انجام دهیم. ما این روش را ادامه خواهیم داد و قطعاً روش‌های جدیدتری را هم پیدا خواهیم کرد.

اما ما با هدف حرکت می‌کنیم و تنوع صادرات و منابع وارداتی و دسترسی به علم و تکنولوژی جزئی از برنامه‌هاست. «اینستکس» سازوکاری پیشنهادی براساس تعهدات طرف اروپایی بود تا ما در برجام بنامینم و به تعهدات خود عمل کنیم. قرار بود ما بتوانیم از مزایای اقتصادی برجام برخوردار شویم؛ اما متأسفانه اروپایی‌ها نتوانستند به تعهدات خود چه به

سازوکارهای اقتصادی کشور ما برای واردات درست شده است. تفکر مردم همچنان براساس واردات سودآور است و این طرز فکر قریب به چهل سال بر کشور حاکم است. ما به مدت ۴۰ سال از محل نفت به تولیدکننده خارجی یارانه دادیم تا به کشور ما جنس صادر کنند. خب این ساختار باید تغییر کند. برای صادرات به وجود قوانین و مقررات حمایتی نیاز است تا صادرکننده خیالش راحت باشد که پول حاصل از صادرات محصولش به دست می‌رسد. به همین دلیل وجود بانک توسعه صادرات قوی، صندوق ضمانت صادرات و صندوق ملی قوی مورد نیاز است که روند صادرات را زیر نظر داشته باشد و حمایت کند. یعنی سازوکاری باید وجود داشته باشد که با قاطعیت از صادرات دفاع کنیم حتی اگر در نتیجه این رویکرد، در داخل کمبودهایی هم ایجاد شود نباید بازار را از دست بدهیم. به عنوان مثال امروز محصولات کشاورزی ما با کیفیت خوبی تولید و صادر می‌شود اما در مواردی یکباره صادرات آن ممنوع اعلام می‌شود؛ زیرا قیمت آن در داخل کشور بالا رفته است. به دلیل چنین سیاست‌های کج دار و مریزه روند صادرات بخوبی صورت نمی‌گیرد. دولت باید با همراهی مردم سیاستی را در پیش گیرد که بتوان سیاست تجاری جایگزین فروش نفت را در دستور کار قرار داد

اما دیگر روش‌های فروش ما پاسخگوی نیازهای بودجه ما نیست. کشوری که زمانی به طور روزانه ۲۰۸ میلیون بشکه صادر می‌کرده است امروز با شیوه‌ها و فشارهای شدیدی روبه‌رو شده است. امریکایی‌ها همه بنادر دنیا و همه دولت‌ها، شرکت‌ها و بانک‌ها را تهدید کرده و فشار می‌آورند و بسیار سختگیرانه برخورد می‌کنند تا تأمین منابع مالی ایران به حداقل برسد. ما تحت این فشارها مجبور شدیم در تجارت خارجی خود به‌دنبال جایگزین باشیم و همین تغییر رویکرد می‌تواند زمینه موفقیت ما در اصلاح ساختار اقتصادی کشورمان باشد. با نگاهی واقع‌بینانه این تغییرات به نفع کشور است اگرچه فشار شدیدی بر مردم و اقتصاد آسیب پذیر وارد می‌شود. اما واقعیت این است که صادرات نفت ما بشدت کاهش یافته و آثار فشار اقتصادی آن در ایران بسیار شدید است و ما امروز نمی‌توانیم به درآمدهای نفت به عنوان یک درآمدهای روشن و ثابت حساب باز کنیم. از این‌رو چاره‌ای جز روی آوردن به تغییر رویکرد در تجارت خارجی بویژه صادرات غیرنفتی خود نداریم.

■ **این سبب است که تحت‌اضطرار دچار تغییر شده و گسترش تجارت با کشورهای منطقه و حوزه شرق در کانون آن قرار گرفته است بر اساس چه مؤلفه‌هایی طراحی می‌شود؟**

ظرفیت دارای دوجه است؛ یکی ظرفیت ما و دیگری ظرفیت پذیرنده. ایران در منطقه‌ای قرار دارد که قریب به ۵۰۰ میلیون جمعیت در اطراف بالافصل آن قرار دارد و تنوع خوبی در این بازار وجود دارد و ظرفیت بازار و پذیرش بسیار بالاست. کمی که از کشورهای مرزی دورتر می‌رویم فرصت‌ها افزایش پیدا می‌کند. بازار هند با یک فاصله کشتیرانی چندساعته برای ما بسیار شرایط خوبی را در بازارهای داخلی خود برای کالای با کیفیت ایرانی فراهم کردند. بازار روسیه و عراق بسیار ثروتمند و مصرف‌کننده است و درهای آن به روی ما باز است. بازارهای کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس مصرف‌کنندگان بالایی دارد و تا حدودی درهای آن باز است و اگر ما کیفیت تولید خود را بالا ببریم قطعاً فرصت‌های بهتری خواهیم داشت.

ما خوشبختانه تنوع خوبی در صادرات داریم و در سال ۹۸ هم تنوع صادراتی داشتیم که ویژگی یک کشور در حال توسعه است اما بحث داخل

و ظرفیت‌های داخلی را باید جدی بگیریم؛ زیرا سازوکارهای اقتصادی کشور ما برای واردات درست شده است. تفکر مردم همچنان براساس واردات سودآور است و این طرز فکر قریب به چهل سال بر کشور حاکم است. ما به مدت ۴۰ سال از محل نفت به تولیدکننده خارجی یارانه دادیم تا به کشور ما جنس صادر کنند. خب این ساختار باید تغییر کند. ما همیشه فکر می‌کردیم هرکسی که تولیدکننده است، می‌تواند صادرکننده هم باشد؛ اما امروز شاهد هستیم که صادرات به سازوکار ویژه و نهادهایی نیاز دارد که در صادرات و بازاریابی متخصص باشند. برای صادرات به وجود قوانین و مقررات حمایتی نیاز است تا صادرکننده خیالش راحت باشد که پول حاصل از صادرات محصولش به دست می‌رسد. به همین دلیل وجود بانک توسعه صادرات قوی، صندوق ضمانت صادرات و صندوق توسعه ملی قوی مورد نیاز است که روند صادرات را زیر نظر داشته باشد و حمایت کند. یعنی سازوکاری باید وجود داشته باشد که با قاطعیت از صادرات دفاع کنیم حتی اگر در نتیجه این رویکرد، در داخل کمبودهایی هم ایجاد شود نباید بازار را از دست بدهیم. به عنوان مثال امروز محصولات کشاورزی ما با کیفیت خوبی تولید و صادر می‌شود اما در مواردی یکباره صادرات آن ممنوع اعلام می‌شود؛ زیرا قیمت آن در داخل کشور بالا رفته است. به دلیل چنین سیاست‌های کج دار و مریزه روند صادرات بخوبی صورت نمی‌گیرد. دولت باید با همراهی مردم سیاستی را در پیش گیرد که بتوان سیاست تجاری جایگزین فروش نفت را در دستور کار قرار داد.

همراهی مردم از این منظر مهم است و باید فرهنگ مصرف در کشور تغییر کند. امروز از بخشی از کالاها مانند گاز، سوخت، برق و میوه در داخل کشور به‌صورت افراطی استفاده می‌شود. در کجای دنیا به شکلی که در ایران میوه مصرف می‌کنیم، میوه مصرف می‌کنند. ۴۰ سال گذشته که پلیت مسافرت‌های خارجی برای مردم مجانی بوده و هر کسی در این ۴۰ سال به خارج از کشور رفته پول خود را از محل یارانه ارز گرفته است. چنین مقررات و فرهنگ به این دلیل رواج دارد که صادرات برای ما مهم نیست و هنوز هم تمرکز اصلی ما بر بازار داخل خودمان است. ولی اگر زمانی صادرات برای کشور جدی شود هم اقتصاد بزرگ خواهد شد و هم نان این صادرات در سفره‌ها پیدا خواهد شد اما این دارد بنابراین باید ظرفیت‌های داخل را از طریق توجیه و اقناع عمومی بالا ببریم که زمان نیاز دارد.

در فرآیند تغییراتی که ما در زمینه رویکرد اقتصادی خود داریم قطعاً رها و ساهل‌های سختی پیش‌رو است؛ سال ۹۹ و ۱۴۰۰ سالهای بسیار سختی خواهند بود زیرا اقتصاد ایران در حال پوست‌اندازی است و دارد از یک اقتصاد واردکننده و نفتی به یک اقتصاد غیرنفتی بر پایه تولید تغییر می‌کند. برای چنین تحولی دولت باید سازوکار مختص آن را ایجاد کند و به موازات فرهنگ آن در مردم شکل گیرد و همه متفق‌النظر باشند. یعنی مجلس، دولت، قوه قضائیه و همه نهادهای کشور در جهت نیاز اصلی کشور و کمک به ایجاد آرامش در بازار و تقویت تجارت خارجی حرکت کنند تا بتوان بازارهای تضمین شده‌ای در منطقه پیدا کرد و روحیه صادرات در کشور را ایجاد نمود. چه اشکالی دارد برخی از کالاها فقط برای صادرات تولید شود؟ اگر گیلان ما در همه جای دنیا با بهترین و گرم‌ترین استقبال روبه‌رو می‌شود چرا ما نباید این محصول را عمده‌تاً برای صادرات تولید کنیم؟ برنج ایرانی را می‌توان بازارهای تضمین شده‌ای در منطقه پیدا کرد و روحیه صادرات در کشور را ایجاد نمود. تولید می‌شود؛ ولی ما امروز هر چه تولید می‌کنیم خودمان مصرف می‌کنیم. اگر ما نیازمند درآمدهای ارزی هستیم خب تولید و صادرات این کالاها درآمدهای ارزی برای تولیدکننده به‌دنبال دارد. صادرات تنها راهی است که تولیدکننده می‌تواند درآمدهای حاصل از تولید خود را به

سر سفره‌ها بکشد. البته تولید در سال گذشته و امسال خیلی خوب بوده است و در صادرات هم موفق بودیم ولی ظرفیت‌ها خیلی بیشتر است.

■ **به نظر می‌رسد دولت در پیگیری این سیاست روی دو کشور بزرگ حوزه شرق یعنی روسیه و چین حساب ویژه‌ای باز کرده است. اگرچه منتقدان این تحرکات را ادعا دارند؟ روسیه و چین قرار است در تغییر رویکرد اقتصادی ایران چه جایگاهی داشته باشند؟**

ما ابتدا در تجارت خارجی چه به‌عنوان مبدأ و چه مقصد به‌دنبال تنوع هستیم. شاخص دومی که آن را دنبال می‌کنیم یکی پذیرش و دوم ظرفیت است. کشوری که هم پذیرش و هم ظرفیت ما را داشته باشد اینجا است که ما دست به مقایسه می‌زنیم. چین و روسیه از منظر ظرفیت و پذیرش ایران در جایگاه خوبی برای ما قرار دارند. وقتی ما ظرفیت کشوری مانند چین را با کشوری چون ویتنام مقایسه کنیم متوجه تفاوت فاحش آن از منظر ظرفیت بالقوه می‌شویم. ظرفیت و پذیرش در چین برای کالای ایرانی بالاست و ما الان یک تنوع صادراتی و پذیرش خوب به چین داریم.

ما انواع فلزات، کالاهای کشاورزی، شیلات و میوه را به چین صادر می‌کنیم. همچنین گردشگری ما به‌صورت دو طرفه با این کشور بسیار فعال بوده بنابراین ما با چین به‌دلیل پذیرش و ظرفیت، تنوع روابط اقتصادی داریم. بخصوص که روابط سیاسی ایران با چین هم فعال و مثبت است؛ اما ما نمی‌توانیم این ظرفیت را در کشور کوچکی آسیایی پیدا کنیم. ما مشابه این وضعیت را با روسیه داریم. این کشور بازار بسیار بزرگ اقتصادی است ولی دارای جمعیت ۱۴۰ میلیونی است، یعنی در حالی که پذیرش خوبی برای ما دارد ولی در مقایسه با چین ظرفیت کمتری دارد. تنوع کالا در روند تجارت ایران با روسیه خیلی کمتر است؛ زیرا ما و روسیه دو اقتصاد مشابه و هر دو صادرکننده بزرگ نفت، گاز و فلزات هستیم. لذا این کار ما محدود می‌کند در حالی که این محدودیت‌ها درباره چین خیلی کمتر است اگر ما فلزات را تولید کنیم می‌توانیم مشتری آن را در بازار چین پیدا کنیم هر چه صنعت پتروشیمی ما کودهای شیمیایی تولید کند یک جمعیت یک میلیارد و چهارصد میلیونی در چین مایل به دریافت این کالاست، این در حالی است که ما منابع جدی نداریم.

■ **فارغ از چین و روسیه، ظرفیت این‌بده‌بستان اقتصادی در سایر کشورهای آسیایی چگونه دیده می‌شود؟**

ما باید دنبال بازارهای بزرگ باشیم مانند بازار هند که یک بازار بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفری است. البته مسأله تعرفه‌ها مطرح است که یکی از کارهای وزارت امور خارجه این است که به تجارت خارجی ثبات دهد. ایجاد این ثبات از طریق موافقتنامه‌ها انجام می‌شود. یکی از برنامه‌های وزارت خارجه تمرکز در موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی است. اما لازمه دستیابی به چنین موافقتنامه‌هایی، شکل‌گیری فرهنگ آن است؛ یعنی وقتی ما به کشوری پیشنهاد می‌دهیم که قصد داریم از بازار آن برای صادرات خود استفاده کنیم و درخواست می‌کنیم آن کشور تعرفه‌های خود را کم کند تا ما بهتر در بازار آن کشور حاضر شویم آن کشور هم درخواست دارد که ما با آن موافقتنامه‌ها موافقت کنیم و در خواست از تعرفه‌های خود را پایین بیاوریم حالا محاسبه ما این است که آیا برای ما صرف می‌کند که با این کشور موافقتنامه داشته باشیم که بخشی از بازار خود را به آن واگذار کنیم و بخشی از بازار آن را بگیریم یا نه.

ما الان با کشورهای مختلف به‌دنبال این